

از لابلای نبشته های روزمره

مساعده ترین زمان ختم برخوردهای مسلحانه وظایف جنگی و رسالت صلحجویانه

در این مبحث، قبل از طرح مسایل کلی و عمومی در مورد، چنین یادآور باید شد که حوادث و حالات، بخصوص در اوضاع و احوال کنونی کشور بسرعت دستخوش تغییر و دگرگونی گردیده که با در نظر داشت چنین یک وضعیتی، بصورت کاملاً عقلانی نحوه موضعگیری خویش را باید مشخص ساخت. در مورد سلسله تحرکاتی که در کشور عزیز ما افغانستان تکوین مییابد باید گفت که هر چند، پس از مرگ ملا عمر، افغانستان شاهد تشدید ناگهانی برخوردهای مسلحانه بود، اما شاید زمان کنونی، بهترین شرایط و وضعیت ممکن برای ایالات متحده و سایر جوانب و طرفهای علاقمند برای دستیابی به توافق در مورد ختم جنگ و درگیری در افغانستان باشد. شاخصهای زیادی بمثابه قاعده در این مورد موجود میباشد که بذات خود نشاندهنده امکانات حاضر بمنظور تأمین صلح و ثبات در کشور محسوب میگردد. پیدایش و ذایش نامیمون «دولت اسلامی» (داعش) در افغانستان از یکطرف و سردرگمی طالب ها از جانب دیگر، بصورت یک کل، معادلات سیاسی - نظامی را دستخوش تغییر و دگرگونی نمود، از جانب دیگر، ایالات متحده روابط و مناسبات خوب با ایران و ایران نیز «مناسبات خوب» با طالبها را سرو صورت بخشیدند که میتوان یکی از جمله عوامل بسیار مفید برای سایر جوانب متخاصم و مخالف، یعنی دولت افغانستان، ایالات متحده و طالب ها برای حضور به میز مذاکره و گفتگو بشمار آورد.

عمده ترین موضوع قابل بحث در این بخش، مسأله تفرقه میان طالبها میباشد که کارگزاران و طرفهای علاقمند در افغانستان میتوانند و قادر بدانند تا حداقل، فرکسیونهای طرفدارگفتگو را بجانب خود جلب نمایند. طالب ها، بصورت عمده، در مورد مسأله مرگ ملا عمر بخصوص پس از اعلام مرگ نامبرده، دچار چند دستگی و سراسیمگی گردیدند. در این میان، از جمله موضوعات قابل ذکر یکی هم مسأله استعفای طیب آغا، یکی از جمله چهره های میانه رو طالبها بنفع مذاکرات صلح را باید یادآور شد. نکته مهم و قابل تذکر، یکی هم اینکه طیب آغا، مخالفت خود بعلت انتصاب اختر منصور را بمثابه رهبر جدید طالب ها بمثابه قدمی بعقب از اصل مذاکرات صلح و تشدید فعالیتهای جنگی و ادامه درگیری پنداشته و مخالفت خود را در زمینه ابراز داشته و چنین میپندارد که در چنین حالتی، بیش از پیش فعالیتهای جنگی در میدان نبرد افزایش یافته و آتش جنگ و درگیری باز هم روشن نگهداشته میشود، انفجارهای اخیر در کابل را میتوان بخشی از فعالیتهای و تحرکات اخیر الذکر محسوب نمود.

در نهایت امر، برخی از تلاشها بارها و بارها بمنظور متحد ساختن طالب ها صورت گرفت؛ اما همه جد و جهد در مورد یاد شده با عدم موفقیت مواجه گردید. در اواسط ماه اگست، میانجی میان دو گروه طالب ها، هر کدام بر رهبری ملا یعقوب و منصور، عدم دستیابی به هدف متذکره را در نبود و فقدان همکاری گروه منصور اعلام داشت، اما مطابق آخرین اطلاعات داده شده توسط منابع خبررسانی، خانواده ملا عمر اظهار داشته اند که بعضیها اعلام موقف خویش را بعلت موضعگیری ما معطل قرار داده اند. با حفظ چنین یک وضعیتی و عدم اتحاد و یکپارچگی طالب ها، بصورت کلی میتوان شاهد جدایی طالب ها به گروههای مختلف بود که در هر گروه، «امیرهای» جداگانه قرار خواهند داشت.

میزان این تقسیم بندی را میتوان در این مورد تخمین کرد که منصور در ملاقاتی با ملا یعقوب پسر و ملا عبدالمنان برادر کوچکتر ملا عمر شرکت ورزیده و به ملا یعقوب مسولیت فعالیتهای جنگی و نظامی و به شخص عبدالمنان وظیفه تداوم رهبری کمیسیون دعوت «جلب و جذب» سپرده شد تا به جلب سربازان، پولیس و سایر کارکنان دولتی به صفوف طالب ها همت گمارد. با این وجود، چنین پیشنهادی نه تنها بصورت مستقیم رد گردید، بلکه توسط گروه مخالف، تحرکات ضد منصور نیز راه انداخته شد.

از جانب دیگر، فشار روز افزون دایش «دولت اسلامی» (داعش) در سرزمین افغانستان و اعلام آشکار موضع ضد طالب، بر مسایل عدیده موجود اضافه گردیده و با بلا تکلیفی مواجه گردیدن طالب ها بخصوص پس از مرگ ملا عمر، بر معضلات موجود نیز افزون بعمل آمد. از جانب طالب ها، مرگ ملا عمر در این راستا، تنها و صرف مرگ ساده رهبرشان محسوب نمیگردد. در واقع، نامبرده در زمان حیاتش، بمثابه رهبر تمامی گروهها و دستجات طالب ها

پذیرفته شده بود، بنابراین، خبر مرگ ملا عمر، برای «دولت اسلامی» (داعش) واقعه دلپذیری بحساب می‌آید.

توضیح و تشریح حوادث و تغییرات یادشده، مبنی بر اینکه سیاست ایالات متحده ممکن شاهد انتخابهایی میان نحوه ترویج خردکردن رهبری طالب‌ها باشد تا پیروزی نظامی آنها در میدان جنگ و یا تداوم پروسه حل و فصل صلح‌آمیز قضایای افغانستان، بخصوص با آنها، آماده‌اند تا به موجودیت شان در صفوف طالب‌ها تحت اوامر رهبری جدید، ادامه دهند و یا حداقل موثریت شان بر فرکسیون طرفدار مذاکرات طالب‌ها تأمین گردد. در واقع، منصور طرفدار مذاکرات و انجام گفتگو می‌باشد، تأخیر در مورد اعلام مرگ ملا عمر، مسأله را واضح و روشن نمود. نامبرده در گام نخست و اول امر، از اصل گفتگو عقب نشینی نمود تا تمامی قوماندانهای طالب با وی همراه و همگام گردند. با این وجود، در زمان کنونی و اوضاع حاضر که بخشی از طالب‌ها مصروف درگیری با «دولت اسلامی» (داعش) می‌باشند، همه جوانب و طرفهای ذیدخل در قضیه (دولت افغانستان، ایالات متحده، پاکستان و ایران)، زمانیکه آهن گرم و داغ است، ضربه وارد مینمایند. ملامنصور تاکنون قادر بدان نشده تا طالبان را بمثابة یک مجموعه، بر رهبری خویش متقاعد سازد، در هر حالتی، ممکن نامبرده، مذاکرات با طرف دولت افغانستان و جانب ایالات متحده را مفید پندارد.

از جانب دیگر اگر نامبرده امکان متذکره را نادیده گیرد، ممکن افغانستان دچار هرج و مرج گردیده و مردم کشور با وضع اسفناک مردمان سوریه و عراق مواجه گردند، چنین وضعیت نشان میدهد که بیش از همه و قبل از سایر موضوعات و مسایل، به حل و فصل صلح‌آمیز قضایای کشور باید اولویت قائل گردید تا به تداوم جنگ و خونریزی.

مسأله‌ای که به تلاشهای طالبها در خصوص ایجاد روابط و مناسبات با ایران (دشمن قبلی) ارتباط می‌گیرد، قبل از همه باید گفت که مسأله ذایش «دولت اسلامی» (داعش)، باعث این تمایل طالب‌ها در امر نزدیکی با ایران گردید که بذات خود «دولت» نامبرده، با ایران شیعه و طالب‌های حنفی از در مخاصمت و دشمنی سخن می‌گوید. از جانب دیگر، اینکه طالب‌ها و ایران از نزدیک باهم کار مینمایند تا رضایت دشمن مشترک را حاصل نمایند. در پراتیک و زمینه عملی، چنین آشکار می‌گردد که اعلامیه‌های پیهم دولت افغانستان، در واقع، نگرانی کارمندان دولتی را مبنی بر تأثیرگذاری روز افزون ایران بر مقامات طالب‌ها و قشرها ورده‌های میانه آنها و امکانات ادامه چنین نزدیکی‌ها را بازتاب میدهد. قابل تذکر است کاین تنها ایران نیست که بر گروههای مختلف طالب‌ها تأثیرگذار می‌باشد، بلکه افراد و اشخاص موجود در بدنه دولت کنونی افغانستان نیز موجود می‌باشند که در این تأثیرگذاری و اثربخشی بر طالب‌ها سهیم می‌باشند.

عملاً، در مقطع زمانی انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ بر علاوه نقش ایالات متحده و پاکستان، مقامات ایران در زمینه میانجیگری نموده و در مورد، همکاریهای لازم را انجام و گروپ اپوزیسیونی بر رهبری عبدالله عبدالله را سازماندهی و آنها را تشویق نمود تا بمنظور تشکیل دولت وحدت ملی به میز مذاکره حاضر گردند.

با در نظر داشت چنین حوادث مشخص، میتوان متذکر گردید که نتایج حاصل از توافق هسته‌یی میان ایران و غرب و تخفیف تشنج در مناسبات تهران - واشنگتن، ممکن بسیار سریع و مشخص، نشان‌دهنده نحوه ارتباط و مناسبات با مسایل افغانستان محسوب گردد تا با عرصه‌های دیگر همکاری میان دو کشور. مقامات در کابل در تلاش حفظ توازن سطح معین مناسبات با ایالات متحده و ایران میباشند. این باور بیش از پیش تقویه میگردد که برای طالب‌ها در اوضاع کنونی مهمترین موضوع و حساسترین مسأله، یکی هم جلوگیری از تفرقه در صفوف آنها میباشد. بدین ترتیب، در نخستین حالت ممکن، شرایط ایجاد مثلث تهران، واشنگتن و طالب، باندازه کافی مساعد و موجود میباشد.

قابل یادآوری میباشد که طالب‌ها همچنان در وضعیت مبارزه با «دولت اسلامی» (داعش) بسر میبرند، دولت افغانستان حداقل در امر مبارزه با «دولت اسلامی» (داعش) در افغانستان، میتواند با طالب‌ها وجوه مشترکی داشته باشد.

تهدید «دولت اسلامی» (داعش) در این بخش جهان، حالت مصنوعی بخود اختیار مینماید، در نتیجه، ممکن این یک موهبت محسوب گردد. همه و همه باین مسأله مرتبط است که به چه نحوه ایی طرفهای مطرح در این مورد، این خطر را شامل پلاتفرم فعالیت‌های مشترک عملی خویش نموده اند. یکی از جمله عمده ترین نشانه‌های سوال در مورد، متوجه ایالات متحده میگردد که به استقبال جزر ومد و تلاش برای برگرداندن شرایط و وضعیت بعقب میرود که بذات خود در یک مسیر کاملاً متفاوت قرار دارد و اجازه میدهد تا «دولت اسلامی» (داعش) در افغانستان رشد نموده و از آن بمتابه تهدید علیه کشورها و دول آسیای مرکزی، چین و پاکستان استفاده نماید.

چنین وضعیتی، اما ممکن اتفاق افتد. میتوان با مساعی مشترک و خالصانه و همکاری صادقانه سایر کشورهای منطقه، فعالیت‌های تخریبکارانه دشمنان صلح و ثبات در کشور را مهار نموده و مخالفان مسلح را مجبور به حضور در میز مذاکرات نموده و از رشد روز افزون «دولت اسلامی» (داعش) در افغانستان جلوگیری نمود. عمده ترین موضوع در این مورد، تذکر این مسأله میباشد که بازیگران منطقه‌یی در نقش آفرینی در امر صلح و پایان خصومت و جنگ در سرزمین بلاکشیده ما از جایگاه بس مهمی برخوردار میباشند تا ایالات متحده را مکلف به تغییر موضعگیری اش در قبال قضایای مربوطه نموده و از بازی دوگانه در مسایل افغانستان، آن کشور را بر حذر دارند. اگر شکست مفتضحانه ایالات متحده در عراق را در نظر

بگیریم، کشور اخیر الذکر، باید با استفاده از تمامی امکانات سیاسی بمنظور دستیابی به حل و فصل صلح آمیز قضیه افغانستان، قبل از آنکه کشور دچار هرج و مرج گردیده و زمین بازی برای «دولت اسلامی» (داعش) مساعد و مهیا گردد، سعی و تلاش ورزد.

تاریخ تحریر این نیشته: یانزدهم ماه سپتامبر سال ۲۰۱۵